

بررسی فقهی تربیت کودک از منظر روایات^۱

یعقوبعلی برجی^۲

سید یاور رضا نقوی^۳

چکیده

از میان مسائل مهم در اجتماع که بر روابط خانواده حاکم و سبب استحکام بنیان‌های خانواده می‌شود مسئله تربیت کودکان است. لازمه پرورش کودک، مراعات نکته‌های بسیار ظریف، حساس و لطیف است. زیرا عدم توجه به اقتضائات رفتار با کودکان، سبب ظهور و بروز پیامدهای ناگوار در روند تربیت آن‌ها خواهد شد. در این میان یکی از موضوعاتی که طرح آن مهم می‌نماید، نگاه فقهی به تربیت کودک است، رویکردی که در آن بررسی باید‌ها و نباید‌های فقهی مربوط به سازکارهای تعامل مریبان و متریبان مد نظر است. از این رو، در این مقاله بر اساس روش استنادی و تحلیلی با تأکید بر روش استنباط فقهی، برخی از مهم‌ترین مسائل فقهی تربیت کودک کشف و استخراج شده است. برخی احکام و نتایج فقهی مربوط به تربیت کودک، راگزینش همسر صالح، تغذیه سالم، غذای حلال، رعایت مستحباتی مانند غسل کودک، گفتن اذان و اقامه، تحنک کام کودک با تربت امام حسین علیه السلام، عقیقه کردن، انتخاب

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۲/۲۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۴/۱۲.

۲. دانشیار، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی علیه السلام العالمية، (dikborji@gmail.com)

۳. دانش‌آموخته سطح ۴ رشته فقه و معارف اسلامی گرایش تبلیغ جامعه‌العلوم (نویسنده مسئول)

(naqvi98@gmail.comyawar)

نام خوب، جدایی بستر کودکان از یکدیگر، حفظ طهارت و اقامه نماز کودک، تربیت جنسی، تکریم کودک، رعایت عدالت بین کودکان، وفای به عهد نسبت به کودک، محبت و مهرورزی محتوای اصلی مقاله را تشکیل می دهند.

واژگان کلیدی: فرزند، تربیت، وظیفه، حکم فقهی، والدین.

تبیین مسئله

گرایش به نهاد خانواده در فطرت هر انسانی است و در آموزه‌های دینی هم با توجه به شرایط و مقتضیات فطری انسان، نهاد خانواده بسیار ارزش قائل شده و آن را به عنوان یکی از کانون‌های محوری برنامه‌ها و آموزه‌های تربیت کودکان قرار داده است. با عنایت به اهمیت یادشده و نقشی که خانواده در پرورش کودکان دارد، روایات اسلامی، مسائلی مانند تأمین نیازمندی‌های اولیه و طبیعی انسان و تداوم نسل انسان، تأمین نیازهای جسمی و روحی متقابل زوجین، برآورده ساختن نیازهای معنوی و تقویت ایمان، تقوی و حفظ آن را (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۱۸) ذکر کرده است. نهاد خانواده افزون بر تکفل تولید نسل، در قبال رشد شایسته و در رابطه با تعالی بخشی دینی و معنوی آن نیز متعهد است. پرورش کودکان دین مدار در نظام خانواده، زمینه تربیت جامعه صالح را فراهم می سازد. از این رو، آموزش و پرورش کودکان شایسته در گروهی خانواده صالح بر مدار والدین مؤمن و دین دار است. تربیت و پرورش خانواده متدین و به تبع آن کودک دین مدار زمانی به گونه نیکو به سرانجام می رسد که دستورالعمل‌های ضابطه مند، عمکردهای انسان را با خدا، خویش و دیگران تنظیم کند. فرایند تربیت فقهی، ضرورتی است که در دانش‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است، ولی از میان دانش‌هایی که به این موضوع پرداخته است دانش فقه به دلیل برخورداری از حجیت گزاره‌های تأثیرگذار از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، زیرا فقه، تنظیم‌کننده دستورهای رفتاری شریعت در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی است که عملکرد مطلوب بر اساس آن شکل می یابد. دانش فقه وظایف و کارکردهای نظام خانواده در تربیت کودک را نیز به خوبی بیان کرده است که به صورت روشمند با ادله معتبر فقهی توسط اندیشمندان فقهی استنباط می شود (اعرافی، ۱۳۹۸: ۶۵).

بر اساس تتبعی که صورت گرفت از میان کتاب‌ها و مقالات و تک‌نگاشته‌های معاصر این مقاله دارای پیشینه علمی مستقلی نیست، به جز در مقاله «پیشینه‌شناسی رویکرد فقهی به تربیت» که به خوبی مورد پردازش قرار گرفته است (موسوی، ۱۳۹۳: ۷۱-۹۵). افزون بر آن در کتاب *موسوعة أحكام الأطفال وأدلتها* بحث کوتاهی درباره مسائل مربوط به واجبات عقلی کودک با عنوان «ادله قبول اسلام صبی» طرح و بررسی شده است. (انصاری و همکاران، ۱۴۲۹: ۴/۲۴۹). همچنین به صورت عام درباره مسئله مقاله کتاب‌هایی مثل *تربیت فرزند با رویکرد فقهی تألیف آیت الله اعرافی، احکام و حقوق کودکان در اسلام* اثر قدرت‌الله انصاری، مقاله «بررسی قلمرو حقوق والدین در تربیت کودک در فقه و اسناد حقوق بین‌الملل» از طیبه ذاکری، پایان‌نامه ارشد «مبانی مشروعیت تربیت به روش تنبیه کودکان از سوی والدین و معلمان و پیامدهای فقهی حقوقی آن» از سعید نظری توکلی و... به نگارش درآمده است.

مفهوم‌شناسی

کارآمدی هر پژوهشی مبتنی بر شناخت دقیق مفاهیم و واژگانی است که در تحقیق به کار رفته است. از این رو، در این مقاله ابتدا مفاهیم مهم به عنوان بحث مقدماتی بررسی می‌شود.

۱. تربیت

واژه «تربیت» مصدر باب تفعیل دارای دو ریشه «ربب» و «ربو» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۴۸۳) می‌باشد. از ریشه «ربب» در معانی اصلاح (واسطی، ۱۴۱۴: ۲/۶)؛ حضانت (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۸/۲۵۷)؛ سرپرستی، مراعات و حفظ (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۴۰۱) و خلق و ایجاد و تکامل بخشی تدریجی آن (راغب، ۱۴۱۲: ۳۷۷) و از ریشه «ربو» در معنای رشد و نمو، زیاد و علو و برتری (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۱۰/۲۱۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۴۰۱) به کار رفته است. در این میان راغب اصفهانی گفته است که «تربیت» از واژه «رب» به معنای تربیت گرفته شده و به صورت استعاره بر فاعل اطلاق می‌شود و کلمه «رب» اختصاص به خداوند دارد که متکفل اصلاح موجودات است (راغب، ۱۴۱۲: ۳۳۶). پس بر اساس معانی لغوی مفاهیم

رشد، اصلاح، حضانت، حفظ و تکامل بخشی معانی پایه برای «تربیت» است و مفهوم «تربیت» یک معنای عامی است که تمام مراتب رشد و زیارت را در هر مرتبه و مقدار را از نظر مادی و معنوی در بر می‌گیرد. (مصطفوی، ۱۴۰۴: ۳۶/۴). هرچند با اندکی تسامح، تربیت از ریشه «ربو» مربوط به پرورش جسمی و مادی کودک است و تربیت از ریشه «ربب» دیگر ابعاد تربیت کودک را در بر می‌گیرد. (اعرافی، ۱۳۹۳: ۱۲۰/۱)، ولی عام‌ترین عنصری که در از معانی لغوی قابل استفاده است، مفهوم تغییر و تحول تدریجی است. پس تربیت در اصطلاح: «فرایند کمک و یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری او؛ که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او می‌باشد». (همان، ۱۴۱/۱)

به عبارت دیگر در اصطلاح «تربیت» به معنای فراهم کردن زمینه مناسب برای پرورش و رشد استعدادهای درونی انسان و یا هر موجودی برای ظهور و بروز و به فعلیت رساندن ظرفیت‌ها و امکانات بالقوه‌ای درونی آن‌ها است (رحیمیان، ۱۳۸۵: ۵).

۲. کودک

فقه عنوان اصطلاح «کودک» را در معنای مقابل بلوغ مورد استفاده قرار می‌دهد (علامه حلی، ۱۴۱۹: ۲/۲۹۸). از این رو، کودک در دانش فقه، به فرد نابالغ اطلاق می‌گردد که خود بر دو گونه است: کودکی که در حالت ممیز قرار نگرفته است که این خود نیز بر دو قسم است: ۱. کودک مرهق؛ ۲. کودک غیر مرهق (طوسی، ۱۳۸۷: ۱/۳۲۸؛ شهید اول، ۱۴۱۹: ۴/۳۸۵؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۶/۹۷؛ یزدی، ۱۴۰۹: ۱/۵۵۰) و کودک غیر ممیز.

۳. سیره

واژه «سیره» از ماده «سیر» از وزن «فعله» گرفته شده که بر طریقه، حالت و هیئت دلالت می‌کند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۳۹۰؛ جوهری، ۱۴۱۰: ۲/۶۹۰؛ واسطی، ۱۴۱۴: ۶/۵۵۹؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۳/۳۴۰) افزون بر آن برخی آن را به معنای سنت، مذهب و روش نیز دانسته‌اند

(فیومی، بی تا: ۲۹۹/۲). راغب اصفهانی از سیره به صحیفه اعمال و نیز کیفیت سلوک یاد کرده است (راغب، ۱۴۱۲۲: ۴۳۳). پس واژه «سیر» در لغت دلالت بر حرکت کرده و در معانی حالت، طریقه، روش و هیئت به کار می رود.

در اصطلاح «سیره» در دو معنا به کار رفته است: ۱. به معنای سبک و قاعده رفتار آدمی؛ ۲. به معنای چگونگی و نوع عمل، فعالیت‌ها و عملکردهای فردی در عرصه‌های گوناگون. از میان دو معنای یادشده، معنای دوم مفهومی است که از واژه «سیره» به ذهن تبادر کرده و این کاربرد در بین تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان کاربرد بیشتری دارد. (مطهری، ۱۳۶۷: ۴۷-۵۳). هرچند سیره به معنای «چگونگی و نوع عمل، فعالیت‌ها و عملکردهای فردی» می‌تواند مقدمه برای معنای «سبک و قاعده رفتار آدمی» باشد (داوودی و حسین زاده، ۸/۱۳۸۹).

۴. فقه تربیتی

واژه «فقه» در لغت، به معنای فهمیدن و دانستن (جوهری، ۱۴۱۰: ۲۲۴۳/۶؛ فیروزآبادی، بی تا)، ۲۸۹/۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۴۲/۴؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۷۰/۳) درک کردن چیزهای مخفی (عبدالناصر، ۱۴۲۸: ۹/۱)؛ پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب (راغب، ۱۴۱۲: ۶۴۲) و نیز به معناهای مطلق فهم، فهم دقیق؛ درک منظور و هدف گوینده؛ فهم دقیق مسائل نظری؛ سرعت انتقال به رفته است (مؤسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۳: ۱۷/۱؛ گرجی، ۱۳۷۷: ۷).

در اصطلاح رایج «فقه» در معنای دانش و علم به احکام جزئی شرعی یا شناخت و به دست آوردن وظایف عملی از منابع و ادله خاص شرعی به کار گرفته می‌شود (مشکینی، ۱۴۱۶: ۱۸۰). به دیگر سخن فقه عبارت است از «علم به احکام شرعیه عملیه که از طریق ادله تفصیلیه به دست می‌آید» (حلی ۱۳۸۷ق: ۲۶۴). بنابراین با عنایت به معنای لغوی و اصطلاحی «فقه» می‌توان چنین برداشت کرد که «فقه» به معنای شناخت عمیق، تفقه در همه بخش‌های آموزه‌های اسلامی (عقاید، احکام و اخلاق) را دربرمی‌گیرد و در اصطلاح

خاص خود به معنای دانشی است که با بهره‌گیری از روش خاص به استنباط و استخراج احکام تکلیفی و وضعی از منابع چهارگانه مصطلح یعنی (قرآن، سنت، عقل و اجماع) در راستای روشن شدن وظایف و رفتارهای مکلفین به کار می‌رود. (مطهری، بی‌تا: ۲۵۰)

با توجه به این‌که «تربیت» در چند حوزه «گسترش دامنه فقه»، «نظام‌سازی تربیتی» و «ارائه تحلیل تربیتی»، بر «فقه» تأثیر می‌گذارد. (اعرافی، فقه تربیتی، ۲۰۰/۱) و با عنایت به معنای واژه «تربیت» و «فقه» می‌توان گفت اصطلاح «فقه تربیتی» اشاره به دانشی می‌کند که از یک سو به کشف، استنباط و استخراج احکام شرعی (تکلیفی و وضعی) مربوط به مربی و متربی در مقام تربیت کودک اشاره دارد و از سوی دیگر، به کشف دیدگاه احکام فقهی درباره ابعاد، گستره، روش‌ها و عناصر و اجزای تربیت می‌پردازد. به عبارت دیگر، مراد از فقه تربیتی آن است که رفتارهای اختیاری که از جانب مربیان و متربیان جهت تربیت کودک صادر می‌شود، از حیث احکام پنج‌گانه مورد بررسی قرار گرفته و برای هر رفتار حکمی از ادله آن استنباط شود (اعرافی، ۱۳۹۱: ۳۷۹).

قلمرو و یافته‌های پژوهش

پژوهش در سه محور گستره، ساحت‌ها و سازوکارهای فقه تربیتی، انجام گرفته و یافته‌های آن بیان می‌شود:

۱. گستره فقه تربیتی

تربیت فقهی کودک دارای گستره پنج‌گانه است: مرحله پیش از تولد؛ مرحله تولد تا سن تمییز؛ مرحله تمییز؛ مرحله رشد و بلوغ و مرحله پس از رشد (همت‌بناری، ۱۳۸۳: ۱۴۳ - ۱۶۵). برای مرحله قبل از تولد به عنوان دوره تمهیدیه، تربیت کودک از زمان گزینش همسر شروع می‌شود که در آن خصوصیات همسر و مادر کودک (طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹: ۷۹۹/۲)، مراعات مستحبات و مکروهات زمان آمیزش (طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹: ۸۰۰/۲) مورد توجه فقه قرار گرفته است. به همین دلیل، انتخاب همسر صالح و شایسته اثر مهمی در تربیت و

پرورش کودک صالح ایفا می‌کند. از این رو، پیامبر اکرم ﷺ با تشویق جوانان به ازدواج، به آنان هشدار می‌دهد که در گزینش همسر دقت کنند تا از این رهگذر بتوانند کودک شایسته‌ای را به بار بیاورند.^۱ یا در جای دیگر به جوانان هشدار می‌دهد که از پیوند با خانواده‌های پست پرهیز کنند.^۲

همچنین در مورد مرحله اول دوران کودکی پیامبر اکرم ﷺ غذای حلال را در تکوین شخصیت و شاکله کودک بسیار مهم دانسته و به ویژه در ایام قبل و بعد از بارداری مادر که شخصیت کودک شکل می‌گیرد.^۳ همین تعبیر در کتاب مستدرک با این شکل آمده است: «وَمَنْ نَبَتَ لَحْمَهُ مِنَ السُّحْتِ فَالتَّارُ أَوْلَى بِهِ» (نوری، ۱۴۰۸: ۳۳۲/۱۳)؛^۴ از این رو پیامبر اکرم ﷺ بر نقش دوران بارداری و حمل که جزء حساس‌ترین ایام شکل‌گیری شخصیت

۱. بنگر که فرزندت را در کدام رحم قرار می‌دهی، چراکه [اصل و] ریشه تأثیرگذار است» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۲۹۶/۱۶؛ قضاعی، بی‌تا: ۳۷۰/۱) یا در روایت دیگر حضرت می‌فرماید: «برای نطفه‌های خود بهترین رحم‌ها را برگزینید، چراکه زنان فرزندان همانند برادران و خواهران خود به دنیا می‌آورند» (ابن ابی‌جمهور، ۲۵۹/۱: ۱۴۰۵).

۲. «قَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَطِيْبًا فَقَالَ أَمِيْنَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدِّمَنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضْرَاءُ الدِّمَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحُسْنَاءُ فِي مَنْبِتِ السَّوْءِ؛ بر حذر باشید از آن گلی که در مزبله روئیده گفتند: یا رسول‌الله گلی که در مزبله روئیده چه گلی است؟ فرمود: زن با جمال که در خانواده‌ای پست بزرگ شده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۲/۵؛ ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳: ۳۹۱/۳).

۳. «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ نَبَتَ لَحْمَهُ مِنَ السُّحْتِ التَّارُ أَوْلَى بِهِ؛ داخل بهشت نمی‌شود کسی که گوشت و پوستش از مال حرام روئیده باشد چنین کسی به آتش دوزخ [شقاوت] شایسته‌تر است [تا سعادت]». (ورام بن ابی‌فراس، ۱۴۱۰: ۶۱/۱).

۴. همچنین در حدیث دیگری به عبدالله بن مسعود این‌گونه سفارش می‌کند: «ای پسر مسعود حرام مخور، حرام نپوش، از [راه] حرام [زن] مگیر و نافرمانی خدا مکن؛ چراکه خداوند به ابلیس می‌فرماید: با بانگ خویش هر که را می‌توانی از جای برکن [هرچه عده و عُده داری جمع کن] و با سوارگان و پیادگان بر آنان [حرام‌خواران] بتاز و در اموال و فرزندان آنان شریک شو و به آنان وعده بده و [البته] شیطان جز فریب وعده‌شان نمی‌دهد» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۵۳).

کودک است تأکید می‌کند^۱ و چون رشد و نمو جنین در جسم و روح کودک آینده نقش مهم دارد، به مادر کودک توصیه شده است که از غذاهایی مثل «کندر» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳/۶)، «به» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۳۵/۱۵) و «خرما» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲/۶) استفاده کند. پس از آن که کودک متولد شد (مرحله دوم)، فقه مستحباتی مانند غسل کودک، گفتن اذان و اقامه، تحنک کام کودک با تربیت امام حسین علیه السلام، عقیقه کردن، انتخاب نام خوب، و... (امام خمینی، بی تا: ۳۱۰/۲).

مرحله سوم تربیت کودک از زمانی که توانایی تشخیص خوب از بد و سود و زیان را دارد شروع می‌شود. (سن شش تا ده سال) در این مرحله همانند مراحل دیگر تربیت دارای احکام ویژه است. مثل جدایی بستر کودکان از یکدیگر (طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹: ۸۰۵/۲) یا آموزش نماز به کودک. (حلی، ۱۴۰۷: ۶۸۵/۲)

تشخیص مرحله چهارم یعنی بلوغ به عرف واگذار شده است و در این مرحله دوره حضانت کودک به پایان می‌رسد (امام خمینی، بی تا: ۳۱۳/۲). با رسیدن کودک به مرحله رشد و بلوغ، مرحله پنجم یعنی تکلیف می‌رسد که در این مرحله در گرفتن تصمیم‌ها آزاد بوده و از روی اختیار و آزادانه عمل کرده و در قبال آن مسئولیت دارد.

۲. ساحت‌های فقهی تربیت

بر اساس ابعاد وجودی متربی، تربیت دارای ساحت‌های مختلف همچون جسمی، اعتقادی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... است. در این مرحله از تحقیق به برخی از ساحت‌های تربیت کودک پرداخته می‌شود.

۱. شاید دلیل تأکید آن باشد که در چنین دورانی شاکله سعادت و شقاوت کودک در رحم مادر بنیان‌گذاری می‌شود. چه این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «السَّقِيّ مَنْ سَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ؛ فرد بدبخت در شکم مادرش بدبخت شده و فرد خوشبخت در شکم مادرش خوشبخت شده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۱/۴؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۳۷۷/۴؛ شیخ صدوق، ۱۳۹۸: ۳۵۶؛ طبرانی،

الف) تربیت جسمی

این ساحت گستره متنوعی دارد؛ از جمله:

یکم. انتخاب همسر صالح

ساحت تربیت جسمی بیانگر فراهم کردن زمینه‌های رشد بدنی و نیز تأمین نیازمندی‌های طبیعی و مادی کودک است که از مهم‌ترین ساحت‌های تربیت کودک به شمار می‌رود. در واقع این ساحت به عنوان یکی از حقوق مهم کودک است که آموزه‌های اسلامی آن را بر دوش والدین به عنوان مربی گذاشته است تا از این رهگذر پیش از تولد و پس از آن رشد و سلامتی کودک تأمین گردد. بنابراین با عنایت به این‌که خصیصه‌های ژنتیکی والدین بر ویژگی‌های جسمی و روان و روح کودک نقش دارد (دبس، ۱۳۶۴: ۲۲ و ۲۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۳۴۹) می‌توان بر اساس یک رویکرد فقهی، ابتدای فرایند رشد و تربیت جسمی کودک را قبل از انعقاد نطفه و حتی از زمان گزینش همسر دانست. زیرا بخشی از بستر برای رشد بخشی کودک به زمان پیش از تولد بر می‌گردد، البته از نگاه عرف، کودکی با تولد آغاز می‌گردد، ولی نگاه ژرف فقه پویای اسلام درباره سلامت کودک، سلامت کودک را به پیش از آغاز تولد کودک و حتی از زمان تصمیم‌گیری ازدواج مربوط می‌داند. به همین جهت در فقه برای مرحله قبل از تولد کودک احکام متعددی بیان شده است که به برخی از آن‌ها در بحث گستره تربیت اشاره شد. افزون بر آن، بسیاری از نقایص و بیماری‌ها جسمی مانند نقص در بینایی، شنوایی و... که دارای منشأ زیستی دارند هم از طریق وراثت منتقل می‌گردد. هرچند چنین نقص‌هایی به عوامل محیطی نیز در ارتباط است، منتها زمانی قابل انتقال از طریق ارث است که بر کروموزوم‌ها تأثیر گذاشته و از رهگذر به نسل‌های بعدی انتقال یابد (مصباح و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۰۵/۱) چنان‌که در برخی روایات به ویژگی‌هایی در مورد همسر اشاره شده و گوشزد کرده که خصیصه‌های جسمی و روحی والدین با پیچیدگی‌های رمزآلود از راه وراثت و ژن به کودک منتقل می‌شود که در روایات طرح چنین مسائل به سلامت جسمی و روحی کودک بر می‌گردد و از آن به عنوان اقدام پیشگیرانه از نارسایی جسمانی و شخصیتی کودک یاد شده است تا افراد در انتخاب همسر دقت بیشتری کنند.

در یکی از روایات پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که فرمود: «اغْتَرِبُوا لَا تُضَوُّوا؛ با بیگانگان (غیرخویشاوند) ازدواج کنید تا نسل شما ضعیف نشود» (شریف رضی، ۱۴۲۲: ۱۰۰). بررسی سندی روایت نشان می‌دهد که این روایت در کتاب *المجازات النبویه* آمده و در کتاب‌های معتبر قدیم شیعه چنین روایتی به چشم نمی‌خورد؛ هرچند ابن‌اثیر این روایت را بدون سند در کتاب *النهایه* نقل نموده است (ابن‌اثیر، بی‌تا: ۳ / ۱۰۶). بررسی دلالی روایت نشان می‌دهد که سید رضی آن را از منظر بلاغی و ادبی استعاره برای تشویق ازدواج با غیرخویشاوند و دوری از ازدواج با خویشاوند بیان کرده است؛ گذشته از معنای «تُضَوُّوا» که در جای خود در کتاب‌های لغوی بررسی شده است و آن را به معنای ناتوانی و ضعف جسمی گرفته‌اند (جزری، بی‌تا: ۳ / ۱۰۵؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۶۳ / ۸؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۷ / ۷۳). پس با بیان لغویین به دست می‌آید که روایت برای جلوگیری از ناتوانی و ضعف جسمی کودک، ازدواج به غیرخویشاوند را ترغیب می‌کند. برخی اندیشمندان به خاطر این که جمله یاد شده با ساختار «اغْتَرِبُوا» آمده است، آن را حمل بر استحباب کرده است (حلی، ۱۴۰۵: ۴۵۶).

در روایت دیگر از لسان پیامبر اکرم ﷺ چنین آمده است: «لَا تَنْكِحُوا الْقَرَابَةَ الْقَرِيبَةَ فَإِنَّ الْوَلَدَ يُحْلَقُ صَاوِيًّا؛ با خویشان نزدیک ازدواج نکنید که فرزند ضعیف و لاغر به دنیا می‌آید» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ۳ / ۹۴). بررسی سندی این روایت نشان می‌دهد که مرحوم فیض کاشانی آن را بدون سند از پیامبر اکرم ﷺ و چند کتاب لغوی (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۴۸۹؛ ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۳ / ۱۰۶) از قول پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده است. از میان دانشمندان فقه، بعضی همانند علامه و شهید ثانی، روایت را بدون ذکر سند آن نقل کرده‌اند (حلی، ۱۳۸۸: ۵۶۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۷ / ۱۵). پس روایت از منظر سندی ضعیف تلقی می‌گردد. اما بررسی دلالی روایت نشان می‌دهد که در ساختار نهی «لَا تَنْكِحُوا» به کار رفته است که نهی ظهور در حرمت است. پس مدلول روایت ظهور در اطلاق حرمت ازدواج با خویشاوند نزدیک دارد، ولی به جهت آن که مرز حرمت ازدواج با خویشاوند قریب در دلایل دیگر بیان گردیده، اطلاق روایت که حرمت ازدواج با خویشاوند را نهی می‌کند را نمی‌توان پذیرفت. پس روایت یا حمل به جایی می‌شود که قرابت از نوع درجه یکی یا دو است که با نص صریح قرآن

تحریم شده است و یا با قرینه آیه پنجاه سوره مبارکه احزاب و حکمتی که در ذیل روایت با گزاره «فَإِنَّ الْوَلَدَ يُخْلَقُ صَاوِيًا» بیان شده، روایت مذکور حمل بر کراهت می‌گردد. به بیان دیگر، «برای پیش‌گیری از ضعف متولد شدن فرزند، از ازدواج فامیلی (خویشاوندان درجه سه)، اجتناب (در حد یک حکم کراهتی) شود» (طرقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۰/۱۰-۸۱).

مطلبی دیگری که از بررسی روایات یادشده استفاده می‌شود آن است که اصل جواز ازدواج با خویشاوند یا غیرخویشاوند از مسلمات فقهی می‌باشد که با سیره پیامبر اکرم و معصومین علیهم‌السلام هم سازگاری دارد؛ ولی استفاده حکم رجحانی یا غیررجحانی غیرالزامی، از ادله موجود در این‌گونه موضوعات وقتی است که از یک سو عام بودن دلایل صله رحم، تمام تلقی گردد؛ به‌گونه‌ای که ازدواج با خویشاوندان دارای پیامد زیان بار جسمی و روحی برای کودک نباشد که با چنین فرض برخی از فقها گفته‌اند ازدواج با اقارب از استحباب رجحانی برخوردار است، وگرنه فقط از دلایل فقهی مطلبی بیش از جایز بودن چنین ازدواجی قابل استنباط نمی‌باشد. از سوی دیگر، چنانچه شواهد علمی اطمینان‌آور، ناتوانی جسمی کودک را در صورت ازدواج با اقارب تأیید نماید، در این صورت، ازدواج با غیرخویشاوند، از رجحان استحبابی برخوردار خواهد شد و یا با نگاه سلبی، با فرض یادشده، ازدواج با اقارب از حکم کراهتی برخوردار می‌شود. پس وقتی ازدواج با خویشان دارای پیامد زیان بار جسمی برای آینده کودک باشد و دانش نیز آن را مورد تأیید قرار دهد، برای جلوگیری از عوارض بدنی کودک، ازدواج با غیرخویشاوند ارجح می‌شود (طرقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۰/۱۰-۸۱).

دوم. تغذیه مناسب

برای تربیت جسمی یکی از مهم‌ترین عنصرهای محیطی تأثیرگذار بر رشد کودک، غذای مادر است، زیرا نوع تغذیه مادر با هوش و استعداد کودک ارتباط مستقیم دارد. سوء تغذیه مادر (باردار) باعث نارسایی جنین و ناهنجاری‌های دیگر می‌گردد (مصباح و دیگران، ۱۳۷۴: ۲۹۹). به همین خاطر به هر اندازه که جنین به زمان تولد نزدیک‌تر می‌شود، نیاز وی به غذا از نظر کمی و کیفی افزایش می‌یابد (حجتی کرمان، ۱۳۵۸: ۱/۱۴۶)؛ از این رو در روایات از تغذیه مادر با انواع میوه

سخن به میان آمده است (شبر، ۱۴۲۸: ۲۹). چنین روایاتی بیانگر حکم تغذیه جنین می باشد که در رشد و نمو جسمی آن تأثیر فوق العاده دارد (طرقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۰/۱۰ - ۸۳). بدین جهت در دانش فقه، برای حفظ سلامت کودک به انتخاب همسری که دارای سلامت جسمی است تأکید شده و از ازدواج با خویشاوند و افرادی ذهنی کم توان نهی شده و ازدواج با غیر خویشاوند دارای رجحان استحبابی است که به حکم عقل نیز قابل استناد است، زیرا حفظ و نگه داری سلامت جسمی کودک از منظر عقل هم راجح است (طرقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۹/۱۰ - ۱۱۰). افزون بر آن، رویکرد دانش فقه در رابطه با ازدواج با افرادی که از ذهن کم توان برخوردار است و چنین مشکلی ممکن است به جنین و کودک آینده منتقل شود کراهت دارد، زیرا در روایات معتبر گزاره های تحذیری به نقل از پیامبر اکرم ﷺ و امام علی علیه السلام مثل «إياكم و تزویج الحفماء» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق: ۲/۱۹۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۳۵۴) و یا روایاتی اخباری که در مقام انشاء بیان شده است مثل «لا یصلح» (ابن همام اسکافی، ۱۳۸۸: ۱۲۲) که از چنین عملی نهی شده، هرچند به قرینه جایز بودن ازدواج با این گونه افراد، دلالتی بر الزام حکم نمی کند، ولی کراهت را می توان به روشنی از آن استنباط کرد (طرقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۹/۱۰ - ۱۱۰).

ب) تربیت اعتقادی

بی تردید خانواده نقش بی بدیل در تکوین درست و صحیح باورها و اعتقادات مذهبی کودکان دارد. به این دلیل، در منابع فقهی توجه ویژه به این موضوع شده و حفظ آن واجب شمرده شده است (خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۴) و باید کودک را از فرو افتادن در ورطه گناه و فساد منع نمود. (یزدی، ۱۴۰۹: ۱/۷۴۲؛ خوئی، ۱۴۱۷: ۳/۳۱۲).

یکی از دلایل مهم تربیت اعتقادی کودک روایات آموزش «لا اله الا الله و محمد رسول الله» است. روایاتی که از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده و به والدین دستور می دهد تا الفاظ «لا اله الا الله و محمد رسول الله» را به کودک بیاموزند.^۱ این بیان پیامبر اکرم ﷺ والدین را ترغیب

۱. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «هر کسی که به تربیت کودک اشتغال دارد، زمانی که کودک لب به «لا اله الا الله» بگشاید، خداوند گناهانش را محاسبه نمی کند» (طبرانی، ۱۴۱۵: ۵/۱۳۰).

می‌کند تا به آموزش الفاظ «لا اله الا الله و محمد رسول الله» کودک خود همت کنند.^۱ همچنین در روایت دیگر پیامبر اکرم ﷺ در رابطه به تأثیر آموزش فریضه‌ها و شعائر دینی در تربیت کودک می‌فرماید: «هرگاه کودکان زبان باز کردند کلمه لا اله الا الله را به آنان بیاموزید و هرگاه دندان [شیری] آن‌ها افتاد آنان را به نماز امر کنید» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۶/۴۴۰). هنگامی که از ایشان پرسیده شد کودک چه هنگام باید نماز بخواند؟ فرمودند: هرگاه دست راستش را از دست چپش شناخت او را به نماز وا دارید» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۶/۴۴۰).^۲

ج) تربیت جنسی

یکی از ساحت‌های مهم فقهی تربیت کودک را تربیت جنسی شکل می‌دهد. غریزه جنسی کودک از سن شش یا هفت سالگی بیدار می‌شود. از این رو، ضروری است از انحرافات احتمالی که ممکن است فراروی کودک قرار گیرد جلوگیری شود. به همین خاطر آموزه‌های اسلامی افزون بر سلامت جنسی، به عفت جنسی نیز تدابیری را اندیشیده است (ری شهری، ۱۳۸۶: ۷/۲۸۸-۲۹۵). از این رو، پنهان بودن روابط زناشویی والدین نقش بسزایی در انحراف یا عدم انحراف جنسی دارد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «سوگند به کسی که جانم به

۱. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «وقتی که کودکان زبان گشودند، لا اله الا الله را به آنان بیاموزید، سپس نگران‌شان نباشید تا به سن پیری و مرگ برسند و زمانی که دندان شیر آنان افتاد، آنان را به نماز امر نمایید» (متقی الهندی، ۱۴۰۹: ۱۶/۴۴۰). همچنین حضرت می‌فرماید: «اولین کلمه‌ای که زبان کودکان بدان می‌گشاید، باید لا اله الا الله باشد، و زمان مرگ نیز، لا اله الا الله را به آن‌ها تلقین نمایید. همانا کسی که اولین و آخرین کلامش، لا اله الا الله باشد و هزار سال عمر نماید، از گناهش پرسیده نمی‌شود» (متقی الهندی، ۱۴۰۹: ۱۶/۴۴۲).

۲. همچنین در روایت دیگر آمده است که حضرت به کودکانی در کنارش بودند نگاهی انداخت و فرمود: «وای به حال فرزندان آخرالزمان از پدرانشان گفتند: یا رسول الله ﷺ از دست پدران مشرکشان فرمودند: نه از پدران مؤمنی که فرزندان‌شان را چیزی از فرائض نمی‌آموزند و هرگاه فرزندان‌شان چیزی از فرائض و امور دینی بیاموزند از عمل به آن منعشان می‌کنند و برای‌شان به مقدار کمی از دنیا راضی می‌شوند؛ پس من از آن‌ها [آن پدران] بیزارم و آنان از من بیزارند» (شعیری، ۱۳۶۳: ۱۰۶؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۵/۱۶۴).

دست اوست اگر کسی با همسرش درآمیزد و در اتاق کودکی بیدار باشد که آنان را ببیند و سخن گفتن و صدای نفس آنان را بشنود، هرگز رستگار نمی‌شود؛ اگر پسر باشد مردی زناکار و اگر دختر باشد زنی زناکار می‌گردد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۰۰؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۱۳۳). همچنین برای تربیت صحیح جنسی پوشاندن عورت کودکان لازم دانسته شده است. بدین جهت، پیامبر اکرم ﷺ از عدم پوشش آن نهی کرده و می‌فرماید: «برای پدر و مادر روا نیست که به شرمگاه فرزند نگاه کنند و برای فرزند روا نیست که به شرمگاه پدر و مادر نگاه کنند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۵۰۳؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۲/۵۶).

همچنین در بسیاری از روایات از بوسیدن کودک توسط نامحرم نهی شده است، زیرا اثر منفی بوسیدن کودک در روح وی نقش می‌بندد و چنین امری باعث تسهیل در روابط با نامحرم شده و صیانت عفاف وی را با مشکل روبه‌رو خواهد کرد (ری شهری، ۱۳۸۶: ۲۹۴/۷). از این رو، پیامبر اکرم ﷺ به نبوسیدن کودک توسط نامحرم توصیه کرده و می‌فرماید: «دختر چون شش ساله شد. او را نبوسید و پسر نیز چون از هفت سالگی گذشت زن او را نبوسد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۴۳۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۳).

۳. سازوکارهای تربیت فقهی

در منابع روایی و فقهی سازوکارهای متفاوتی برای تربیت کودک بیان شده است که از میان آن‌ها به برخی از مهم‌ترین اشاره می‌شود.

الف) تکریم کودک

بر اساس آموزه‌های اسلامی نه تنها مؤمنان دارای کرامت ذاتی است، بلکه امر به حفظ و تقویت و ارتقای آن شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۵۲). در روایات هرچند حفظ کرامت مشعر به حفظ کرامت مؤمن است، ولی قرینه‌هایی وجود دارد که بر اساس آن‌ها شمولیت حفظ کرامت کودک را نیز می‌توان پذیرفت، زیرا حرمت نفس از جمله موضوعاتی است که در متون دینی دارای جایگاه برجسته است. نتایج برخی تحقیقات نشانگر آن است که «حفظ حرمت نفس

نه فقط برای سلامت روحی و روانی، بلکه در سلامت جسمی نیز مؤثر است. ارزیابی منفی فرد از خودش با فقدان مهارت‌های ارتباط اجتماعی ارتباط دارد» (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲۴)؛ از این رو، پایمال شدن کرامت کودک باعث به وجود آمدن بسیاری از نابهنجاری‌ها در آینده وی می‌شود که روایات بر حرمت آن‌ها دلالت دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۱۲).

یکی از روایات نبوی ﷺ درباره تکریم کودکان چنین آمده است: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُعْفَرُ لَكُمْ؛ فرزندان خویش را گرمی دارید و آداب آن‌ها را نیک سازید تا مورد آموزش قرار گیرید» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱ / ۴۷۶؛ مجلسی، ۱۴۱۰: ۹۵ / ۹۵). حدیث یادشده مرفوعه است و از جهت سندی معتبر نیست، ولی از منظر دلالتی به صورت ویژه در مورد تکریم کودکان آمده است و درباره یکی از مهم‌ترین وظایف والدین (تکریم کودکان) بحث می‌کند. به خصوص که ذکر پاداش در آخر روایت، مانع ظهور صیغه امر در وجوب شده است.

در روایت درست بن ابی منصور چنین آمده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ - فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ ابْنِي هَذَا؟ قَالَ: مُحْسِنٌ اسْمُهُ وَ آدَبُهُ وَ ضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا؛ مردی خدمت پیامبر خدا - آمد و از ایشان پرسید: حق فرزندم بر من چیست؟ پیامبر خدا فرمود: نام نیک بر او بگذاری و او را به نیکی ادب کنی و او را در جایگاه شایسته قرار دهی» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۴۸). روایت مذکور از نظر سندی مشکلش آن است که در سلسله راویان سند، درباره محمد بن عیسی بن عبید اختلاف نظر وجود دارد، زیرا شیخ طوسی وی را ضعیف شمرده، کشی در مدح او سخن گفته (کشی، ۱۳۴۸: ۲۰۳) و نجاشی ایشان را ثقه و عین خوانده (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۴۶) و علامه حلی قبول روایت وی را اقوی به حساب آورده است (علامه حلی، ۱۳۸۱: ۱۴۱). «درست بن ابی منصور» بر اساس کلام کشی، واقفی مذهب است و ثقه نیست. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۵۵۶)، ولی با عنایت به بعضی از قرینه‌ها، برخی مانند ابن ابی عمیر و سعد بن محمد طاطری از وی روایت نقل کرده‌اند. (همان: ۱۶۲) افزون بر آن، وی از جمله رجال تفسیر علی بن ابراهیم قمی به شمار می‌آید و برخی از اصحاب اجماع مثل ابن ابی عمیر و

بزنظی از وی روایت نقل کرده‌اند. از این جهت می‌توان وی را مشمول توثیقات عامه برشمرد که با رفع ضعف و امکان توثیق وی، اعتبار سند روایت جبران می‌شود.

ب) عدالت‌ورزی

یکی از سازوکارهای تربیت کودک که دارای نقش تربیتی برجسته‌ای است، رعایت عدالت بین کودکان می‌باشد. از این رو، نقل شده که «روزی پیامبر ﷺ با یارانش سخن می‌گفت. کودکی وارد شد و در گوشه‌ای از مسجد نزد پدرش رفت. پدر دستی بر سر کودک کشید و وی را بر زانوی راست خود نشاند. اندکی بعد، دختر او آمد و رفت تا این‌که به پدر رسید؛ آن مرد بر سر او نیز دست کشید؛ اما وی را روی زمین نشانید. پیامبر ﷺ که شاهد این ماجرا بود او را خطاب قرار داده فرمودند: چرا او را بر زانوی دیگر نشانیدی؟ آن مرد دختر خود را نیز بر زانوی دیگر نشانید آن‌گاه رسول خدا ﷺ فرمودند: هم‌اکنون عدالت ورزیدی» (ری شهری، ۱۳۸۶: ۳۰۸/۷).

ج) وفای به عهد

سازوکار ویژه دیگر در تربیت کودک «وفای به عهد» مربی و والدین نسبت به کودک است؛ موضوع مهمی که پیامبر اکرم ﷺ به خصوص نسبت عهد والدین با کودک همواره تأکید می‌کرد. هرچند عمل بر خلاف وعده دارای نهی عام است، اما در مورد کودک به دلیل مقتضیات سنی و نیز کارکرد تربیتی ویژه‌ای که دارد، دارای اهمیت خاصی است. از این رو، از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است: «کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید و هرگاه چیزی به آن‌ها وعده داده‌اید بدان وفا کنید، زیرا آنان باوری جز این ندارند که شما روزی آن‌ها را می‌دهید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹/۶؛ ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳: ۴۸۳/۳). همچنین از عبدالله بن عامر نقل شده که «پیامبر ﷺ به خانه ما آمد و من درحالی‌که کودکی خردسال بودم رفتم تا بازی کنم. مادرم به من گفت: عبدالله بیا چیزی به تو بدهم. پیامبر ﷺ فرمود: چه می‌خواهی به او بدهی؟ گفت: می‌خواهم به او خرما بدهم. پیامبر ﷺ فرمود: آگاه باش که اگر چنین نکنی برای تو دروغی نوشته می‌شود» (بیهقی، بی تا: ۱۹۸/۱۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۹۸/۱۰).

۵) مهرورزی

در میان نیازهای مختلف مادی و معنوی که انسان در زندگی دارد، یکی از اساسی‌ترین آن‌ها، نیاز به محبت و مهرورزی است، زیرا برآورده کردن نیاز یادشده، کودک را تا اندازه یادی در برابر نیازهای زیستی به ثبات و پایداری رسانده و سبب آرامش روحی و روانی، اعتماد به نفس، امنیت و حتی سلامت جسمی وی می‌شود و در مقابل، عدم توجه به این نیاز، احساس عجز و حقارت و بیماری‌های جسمی و روانی و انحرافات اجتماعی را در پی خواهد داشت (حسینی زاده، ۱۳۸۵: ۸۲/۱)؛ از این رو کنکاش در آموزه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشانگر آن است که حضرت به کودکان بسیار مهر می‌ورزیدند و به آن‌ها محبت می‌کردند. ابراز مهرورزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کودکان تا آنجا بود که وقتی تعجب فرد یهودی را برانگیخت، سبب پذیرش اسلام از سوی فرد یهودی گردید.^۱ با همین مضمون روایت شده است که «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به نماز می‌ایستادند حسنین علیهما السلام به روی کمر ایشان می‌رفتند و هرگاه رسول خدا می‌خواست سر از سجده بردارد دست خود را به پشت آنان می‌گرفتند تا مبادا بیفتند» (طبری، ۱۳۸۷ق: ۵۶۶/۱۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۴/۱۶۰). افزون بر آن، در روایات بسیاری رسیده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اظهار محبت به کودک به بوسیدن آن‌ها

۱. «روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد در حال اقامه نماز جماعت بودند و امام حسین علیه السلام که در آن زمان کودک خردسالی بود نزدیک آن حضرت نشست. امام حسین علیه السلام هنگامی که پیامبر به سجده می‌رفتند بر پشت پیامبر سوار می‌شد و پای خود را تکان می‌داد و می‌گفت: حل حل! (کلمه‌ای است برای حرکت سریع شتران) رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که سر از سجده برمی‌داشتند او را می‌گرفتند و در کنار خود می‌نشاندند؛ اما هنگامی که دوباره به سجده می‌رفتند، امام حسین دوباره بر کمر پیامبر صلی الله علیه و آله سوار می‌شد و حرکات قبلی خود را دوباره تکرار می‌کرد تا این‌که نماز به پایان رسید. در این هنگام شخصی یهودی که رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با امام حسین علیهما السلام را مشاهده کرده بود به نزد ایشان آمد و گفت: ای محمد! شما با فرزندان خود به‌گونه‌ای رفتار می‌کنید که ما با فرزندانمان آن‌گونه رفتار نمی‌کنیم؟! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر به خدا و رسول او ایمان داشتید شما نیز به کودکان مهربانی می‌کردید. مرد یهودی نیز به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد، چراکه با چشمان خود دید که پیامبر اسلام با تمام بزرگی و علو شان، چه مهربانانه با کودکان رفتار می‌کند» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳/۲۲۷).

تأکید می‌کردند.^۱ مهرورزی پیامبر اکرم ﷺ تا اندازه‌ای بود که روایت چنین روایت شده است که؛ «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ وَ عَلَى فَخَذِهِ الْأَيْسَرِ ابْنُهُ إِبْرَاهِيمُ وَ عَلَى فَخَذِهِ الْأَيْمَنِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ هُوَ تَارَةٌ يَقْبَلُ هَذَا وَ تَارَةٌ يَقْبَلُ هَذَا؛ برخی اوقات ابراهیم و حسین بن علی ﷺ را بر روی دو زانوی خود می‌نشانند و آن‌ها را یک به یک می‌بوسیدند» (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۵۲/۳۴۲).^۲

نتیجه‌گیری

بر اساس گفتمان رایج در فقه، مکلفان، قبل از رسیدن به سن بلوغ تکلیف و مسئولیت شرعی ندارند. ولی مریبان یا والدین نسبت به تربیت صحیح کودکان که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند تکالیف و مسئولیت‌های دارند. در این مقاله به عنوان اولین رهیافت با موضوع بررسی فقهی تربیت از منظر روایات مسئله در سه محور گستره، ساحت‌ها و سازکارهای فقهی تربیت مورد بررسی قرار گرفت. گستره فقهی تربیت شامل مرحله پیش از تولد، مرحله تولد تا سن تمییز مرحله تمییز، مرحله رشد و بلوغ و مرحله پس از رشد می‌شود که برای هر مرحله توصیه‌های فقهی بیان شد. نتایج پژوهش نشان داد که گفتمان فقهی تربیت ساحت‌های مختلفی همچون جسمی، اعتقادی، جنسی و... را دربرمی‌گیرد. همچنین پژوهش نشان داد که برای تربیت صحیح و سالم، فقه سازکارهای هابی مانند عدالت‌ورزی، وفای به عهد و محبت را ذکر کرده است.

۱. فرمود: «مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حَسَنَةً؛ هر کس فرزند خود را ببوسد خداوند برای او یک حسنه می‌نویسد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۴۹؛ حلی، ۱۴۰۷: ۷۹).

۲. همچنین نقل شده است که، «روزی رسول خدا ﷺ در حال بوسیدن امام حسین ﷺ بودند و شخصی به نام اَفْرَعُ بْنُ حَابِسٍ شاهد محبت پیامبر ﷺ به امام حسین ﷺ بود. اَفْرَعُ بْنُ حَابِسٍ که تا آن لحظه محبت کردن به فرزندان را براساس سیره نبوی مشاهده نکرده بود، متعجب شد و به رسول خدا ﷺ عرض کرد؛ من ده فرزند دارم اما تا کنون هیچ‌کدام از آنان را نبوسیده‌ام. پیامبر ﷺ از رفتار اَفْرَعُ بْنُ حَابِسٍ ناراحت شده و فرمودند: کسی که رحم و عطف‌نداشته باشد مورد رحم و عطف‌نداشته قرار نخواهد گرفت» (بلاذری، ۱۳۷۹ق: ۳/۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱/۲۶۱؛ ابن بطریق حلی، ۱۴۰۷: ۴۰۱).

منابع

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، *عوالی اللئالی*، انتشارات سید الشهداء علیه السلام، قم: ۱۴۰۵ ق.
۲. ابن اثیر جزری، *النهایة فی غریب الحدیث*، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم: چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *التوحید (للسدوق)*، بی نا، قم: چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، بی نا، قم: چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن بطریق حلی، یحیی بن حسن، *العمدة*، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: ۱۴۰۷ ق.
۶. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، *دعائم الإسلام*، بی نا، قم: چاپ دوم، قم: ۱۳۸۵ ق.
۷. ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۸. ابن سلامه، *مسند شهاب*، تحقیق حمدی عبدالحمید السفی، مؤسسه الرساله، بیروت: چاپ دوم، بی تا.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، انتشارات علامه، قم: ۱۳۷۹ ش.
۱۰. ابن عساکر، ابو القاسم علی بن حسن، *تاریخ مدینه دمشق*، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۵ ق.
۱۱. ابن ماجه، محمد، *مسند ابن ماجه*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، دارالفکر، بیروت: بی تا.
۱۲. ابن همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل، *تکامل و طهارت روح*، ترجمه التمهیحص، بی نا، قم: چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، *معجم مقانیس اللغة*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم: چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. اراکی، محمدعلی، *کتاب البیع*، مؤسسه در راه حق، قم: چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۱۶. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، *مفردات ألفاظ القرآن*، دارالعلم، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. اعرافی، علیرضا و جواد ابراهیمی، «وظیفه خانواده در تربیت دینی فرزندان از منظر سیره»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فقه تربیتی*، قم: سال پنجم، شماره ۱۱، ۱۳۹۸ ش.
۱۸. اعرافی، علیرضا، *فقه تربیتی (۱)*، مبانی و پیش فرض ها، انتشارات مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان، قم: ۱۳۹۱ ش.

۱۹. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، مبانی و پیش فرضها، انتشارات مؤسسه اشراق و عرفان، قم: چاپ دوم، ۱۳۹۳ش.
۲۰. انصاری شیرازی، قدرت الله و همکاران، موسوعة أحكام الأطفال وأدلتها، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم: چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۲۱. آذربایجانی، مسعود و دیگران، روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، انتشارات سمت، تهران: چاپ سوم، ۱۳۸۷ش.
۲۲. آملی، میرزا محمدتقی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، بی نا، تهران: چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۲۳. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق محمدباقر محمودی، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت: چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
۲۴. بهایی، بهاء الدین محمد بن حسین و نظام الدین محمد بن الحسین فرشی ساوجی، جامع عباسی و تکمیل آن، منشورات فراهانی، تهران: ۱۳۱۹ق.
۲۵. بیهقی، ابوبکر، السنن الکبری، دارالفکر، بیروت: بی تا.
۲۶. جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث والأثر، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم: چاپ اول، بی تا.
۲۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، دار العلم للملایین، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۸. حجتی کرمانی، محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۸۵ش.
۲۹. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسه آل البيت قم، ۱۴۰۹ق.
۳۰. حسینی زاده، سیدعلی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، چاپ سوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۸۵ش.
۳۱. حلی، احمد بن فهد، عده الداعی، انتشارات دار الكتاب الاسلامی، قم: ۱۴۰۷ق.
۳۲. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه حلی)، تذکرة الفقهاء، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۳۳. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، المعترف فی شرح المختصر، مؤسسه سیدالشهداء، قم: چاپ اول، ۱۴۰۷ق.

۳۴. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الأحكام في معرفة الحلال والحرام، تصحيح گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، انتشارات اسلامی، قم: ۱۴۱۳ق.
۳۵. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، نهاية الإحكام في معرفة الأحكام، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم: چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۳۶. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، رجال العلامة الحلی - خلاصة الأقوال في معرفة أحوال الرجال، منشورات المطبعة الحيدرية، نجف اشرف، چاپ دوم، ۱۳۸۱ق.
۳۷. حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، تحقيق: عبد الحسين محمد علی بقال، مؤسسة إسماعيليان، قم: ۱۴۰۸ق.
۳۸. حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، مؤسسة سيد الشهداء العلمية، قم: ۱۴۰۵ق.
۳۹. خمینی، روح الله، تحرير الوسيلة، مؤسسه دارالعلم، قم: چاپ اول، بی تا.
۴۰. خوئی، سید ابوالقاسم، صراط النجاة، (مع حواشی شیخ جواد تبریزی)، محقق: موسی مفیدالدین عاصی، مکتب نشر المنتخب، قم: ۱۴۱۶ق.
۴۱. خوئی، سید ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئی، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، قم: ۱۴۱۷ق.
۴۲. داوودی، محمد و سید علی حسینی زاده، سيره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، انتشارات سمت، تهران: چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۴۳. دبس، موریس، مراحل تربیت، ترجمه علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران: چاپ دهم، ۱۳۷۴ش.
۴۴. رحیمیان، محمد حسن، رهبر، محمد تقی، اخلاق و تربیت اسلامی، انتشارات سمت، تهران: چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵ش.
۴۵. رضی، محمد بن حسین شریف، المجازات النبویة، دارالحدیث، قم: چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۴۶. ری شهری، محمد، حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، انتشارات دارالحدیث. قم، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۴۷. سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الأحكام في بيان الحلال والحرام، مکتب آیه الله السید السبزواری قم، ۱۴۱۳ق.
۴۸. سرمد، غلامعلی، «رابطه ازدواج فامیلی با عقب ماندگی ذهنی کودکان»، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۱۳، ۱۳۷۴ش.

۴۹. سروری، علی، *ازدواج‌های فAMILI و بیماری‌های ژنتیکی کودکان*، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۴ ش.
۵۰. سیوطی، جلال‌الدین، *الدرالمنثور*، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۵۱. شبر، سید عبدالله، *طب الائمه*، دارالارشاد، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۲۸ ق.
۵۲. شبر، عبدالله، *حق الیقین فی معرفه أصول الدین*، انتشارات انوار الهدی، قم: چاپ دوم، ۱۴۲۴ ق.
۵۳. شجاعی، محمدصادق، *بازی کودک در اسلام*، انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم: چاپ اول، ۱۳۸۳ ق.
۵۴. شریدان، ماری دی، *بازی در اوایل کودکی از تولد تا شش سالگی*، ترجمه مهدی سهرابی و عزت خداشناس، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۵۵. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، *المجازات النبویه*، بی‌نا، قم: چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
۵۶. شعیری، تاج‌الدین، *جامع الاخبار*، انتشارات رضی، قم: ۱۳۶۳ ق.
۵۷. شهید اول، محمد بن مکی، *ذکری الشیعه فی احکام الشریعه*، مؤسسه آل‌البیت، قم: چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۵۸. شهید اول، محمد بن مکی، *أربع رسائل کلامیه*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم: چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۵۹. شیخ صدوق، محمد بن علی، *امالی*، انتشارات کتابخانه اسلامی، قم: ۱۳۶۳ ش.
۶۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *التهدیب*، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۵ ش.
۶۱. صاحب بن عباد، کافی‌الکفاة، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، عالم‌الکتاب، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۶۲. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، *العروه الوثقی*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۶۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، *معجم الاوسط*، تحقیق قسم التحقیق بدارالحرمین، دارالحرمین للطباعة و النشر، بیروت: ۱۹۹۵ م.
۶۴. طبرانی، أبوالقاسم سلیمان بن احمد، *المعجم الاوسط*، تحقیق طارق بن عوض‌الله و عبدالمحسن بن إبراهیم، دارالحرمین، قاهره، ۱۴۱۵ ق.
۶۵. طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، شریف‌رضی، قم: ۱۴۱۲ ق.

۶۶. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دار التراث، [بی تا].
۶۷. طرقي، مجید و علی همت بناری و محمد قاسم رجایی، «بررسی فقهی بهداشت جسمی کودکان پیش از تولد»، *مطالعات فقه تربیتی*، دوره ۵، شماره ۱۰، ص ۷۷-۱۱۰، ۱۳۹۷ش.
۶۸. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، کتابفروشی مرتضوی، تهران: چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
۶۹. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، *الامالی*، دار الثقافة، قم: چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۷۰. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، *المبسوط في فقه الإمامية*، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران: چاپ سوم، ۱۳۸۷ش.
۷۱. عاملی، زین الدین بن علی، (شهید ثانی)، *حقائق الإیمان مع رسالتی الاقتصاد والعدالة*، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم: چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۷۲. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، مؤسسه معارف اسلامی، قم: چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۷۳. عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية*، تصحیح: سید محمد کلاتر، مکتبه الداوری، قم: ۱۴۱۰ق.
۷۴. عبدالناصر، جمال، *موسوعه في الفقه الاسلامی*، وزارت اوقاف، قاهره، ۱۴۲۸ق.
۷۵. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، *احياء علوم الدين*، ترجمه مؤیدالدین محمد خواری، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران: ۱۳۵۹ق.
۷۶. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، *روضة الواعظین*، انتشارات رضی، قم: بی تا.
۷۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، مؤسسه دار الهجرة، قم: چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۷۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *قاموس المحيط*، دارالکتب العلمیه، بیروت: بی تا.
۷۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *المحجة البيضاء*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: ۱۴۱۷ق.
۸۰. فیومی، احمد بن محمد مقری، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، منشورات دار الرضی، قم: چاپ اول، [بی تا].
۸۱. قضاعی، محمد بن سلامه، *مسند شهاب*، تحقیق حمدی عبدالحمید السفی، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الرسالة، [بی تا].

۸۲. کاشانی، ملا محسن، *المحجة البيضاء في تهذيب الاحياء*، تحقیق علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم: چاپ دوم، [بی تا].
۸۳. کتابی، احمد، «زناشویی های خویشاوندی (همخون)»، از دیدگاه اسلام»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۴۱، ۱۳۸۱ ش.
۸۴. کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، *جامع المقاصد في شرح القواعد*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم، قم: ۱۴۱۴ ق.
۸۵. کشی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز، *رجال الکشی*، انتشارات دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۶۸ ش.
۸۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، دارالکتب الإسلامية، تهران: چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۸۷. گرجی، ابوالقاسم، *تاریخ فقه و فقهاء*، انتشارات سمت، تهران: ۱۳۷۷ ش.
۸۸. متقی الهندی، *کنز العمال*، تحقیق البکری الحیانی، مؤسسة الرسالة، بیروت: ۱۴۰۹ ق.
۸۹. مجلسی، محمدباقر، *ملاذ الأخیار في فهم تهذیب الأخبار*، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم: چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۹۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، مؤسسة الطبع و النشر، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۹۱. مشکینی، علی، *اصطلاحات فقهی و اصولی*، انتشارات الهادی، قم: چاپ ششم، ۱۴۱۶ ق.
۹۲. مصباح یزدی، محمدتقی، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، با همکاری گروه نویسندگان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم: چاپ دوم، ۱۳۹۱ ش.
۹۳. مصباح، علی و دیگران، *روان شناسی رشد: با نگرش به منابع اسلامی*، انتشارات سمت، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۹۴. مصطفوی، حسن، *التحقیق في کلمات القرآن الکریم*، مرکز کتاب لترجمة و النشر، تهران: چاپ اول، ۱۴۰۲ ق.
۹۵. مطهری، مرتضی، *سیری در سیره نبوی*، انتشارات صدرا، تهران: ۱۳۶۷ ش.
۹۶. مطهری، مرتضی، *آشنایی با علوم اسلامی*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: [بی تا].
۹۷. مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، *موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت علیهم السلام*، مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، قم: ۱۴۲۳ ق.

۹۸. موسوی، سید نقی، «پیشینه شناسی رویکرد فقهی به تربیت»، *مطالعات فقه تربیتی*، شماره ۲۲ (ص ۷۱-۹۵)، ۱۳۹۳ ش.
۹۹. نباطی، *أربع رسائل كلامية*، (با شرح علامه نباطی)، دفتر تبلیغات اسلامی قم، قم: چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۰۰. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ق.
۱۰۱. نوری، حسین بن محمد نقی، *مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل*، [بی نا]، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۱۰۲. واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۰۳. وحید خراسانی، حسین، *تحقیق الأصول*، مقرر: علی حسینی میلانی، بی نا، چاپ دوم، قم: ۱۴۱۸ ق.
۱۰۴. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، *مجموعه ورام*، بی نا، قم: چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۱۰۵. همت بناری، علی، *نگرشی بر تعامل فقه و تربیت*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ۱۳۸۳ ش.
۱۰۶. یزدی، سید محمد کاظم *العروة الوثقی*، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۴۰۹ ق.
۱۰۷. یزدی، سید محمد کاظم، *حاشیه المکاسب*، مؤسسه اسماعیلیان. قم، چاپ دوم، ۱۴۲۱ ق.